

دنیا به روایت تصویر



جشنواره سالانه دوچرخه سواری با دوچرخه های خاص در سیدنی، عکس از یاهو

مسابقات اسب سواری در زمین گل آلود در آمریکا، عکس از رویترز





حرکت جالب یک افسر پلیس راهنمایی و رانندگی در مراسم رژه نیروی انتظامی در مسکو، عکس از اسپتنیک نیوز

در محضر بزرگان

از خدا طلبکار نباشیم!

حجت الاسلام و المسلمین فاطمی‌نیا در تذکری درباره پرهیز از غرور و تکبر در عبادات گفته‌اند:
«ما هیچ وقت از خدا طلبکار نیستیم. یکی از ارکان عبودیت این است که ما همیشه خود را بدهکار خدا بدانیم. خدا و اهل بیت(ع) همیشه طلبکار هستند نه بدهکار. اعمال را مهم دانستن از کیفیت آن می کاهد. باید همه چیز را ناچیز بدانیم! این کارها وظیفه است، ما کاری نکرده ایم... هرچه هست تفضل خداست...»

برگرفته از کتاب «نکته‌ها از گفته‌ها»، دفتر اول، ص ۱۹۸

داستان واقعی

توجه جالب یک شهید به بیت المال

عموی شهید حاج حسین محمدیانی در خاطره‌ای درباره توجه جدی این شهید بزرگوار به بیت‌المال نقل می کند:
کمیسیون پزشکی تشخیص داده بود حاجی برای معالجه، باید به خارج از کشور اعزام شود. او مخفیانه با پزشک معالجش تماس گرفت و از او خواست صادقانه درباره اعزامش به خارج با او صحبت کند. وقتی دکتر گفت هیچ درمانی برای بیماری او وجود ندارد و اعزامش بی فایده است، بلافاصله با ستادی که درصدد تمهید مقدمات اعزام وی بود، تماس گرفت و گفت که حاضر نیست بیت‌المال را صرف کاری کنند که نتیجه‌ای در بر ندارد.

برگرفته از کتاب «روایت عشق۱» گردآوری سیمین وهاب زاده مرتضوی

فتوشعر



غلط ننویسیم

تفاوت عاجل با آجل

این دو کلمه را نباید با هم اشتباه کرد. کلمه «عاجل» اسم فاعل از مصدر «عجله» و به معنای «فوری» و «اکنون» است، مانند: «خداوند شفای عاجل عطا فرماید».
ولی «آجل» به معنای «آتی»، «بعد از این» و «آینده» است. با این حال و معمولا «عاجل و آجل» در مقام اسم و به معنای «حال و آینده» به کار می رود. به طور مثال منوچهری می گوید: «بدین زودی ندانستم که ما را / سفر باشد به عاجل یا به آجل».

برگرفته از کتاب غلط ننویسیم اثر ابوالحسن نجفی

انگلیش آموزی

نویسنده: میترا تاتاری، تصویرساز: سعید مرادی



اندکی صبر

خوشا پریدن با بال شکسته!

به باد حادثه
بالم اگر شکست
چه باک!
خوشا پریدن
با این شکسته بالی ها...

قیصر امین پور



دور دنیا

شیر مصنوعی گاو!



آدیتی سنترال/ به نظر می رسد که برای تهیه شیر دیگر نیازی به گاوها نباشد چراکه ۲ دانشمند جوان که هر دو فارغ التحصیل رشته مهندسی پزشکی هستند، موفق شدند فرمول ساخت شیر مصنوعی را کشف کنند. جالب است که این دو نفر برای اولین بار در یک آزمایشگاه با هم آشنا شدند و هر دو به صورت جداگانه مشغول تحقیقات برای ساخت شیر بدون نیاز به گاو بوده اند! حالا آن ها بعد از چندین سال تلاش موفق شدند شیری تولید کنند که نه تنها از لحاظ میزان مواد مغذی و پروتئینی از شیر گاو کم نمی آورد بلکه طعم آن هم خوشمزه تر از شیر گاو است. یکی از این دانشمندان درباره هدفش از این تحقیقات گفته است: «شاید روزی گاوها بخواهند به مرخصی بروند، ما نباید محتاج آن ها باشیم!». قابل ذکر است که این محصول هنوز وارد بازار نشده است و در حال کسب مجوزهای لازم سازمان جهانی بهداشت است.

پیتزا ی بسیار تند برای زنان باردار!



اسکای نیوز / بر اساس یک باور قدیمی در ایالت کارولینای شمالی آمریکا، اگر زنان باردار غذای تند بخورند، بچه های باهوش تر و فعال تری به دنیا خواهند آورد. هرچند هنوز متخصصان علم پزشکی در این باره اظهار نظری نکرده اند و این باور تایید نشده است، اما یک رستوران دست به کار جالبی زده است و فقط به زنان باردار اجازه حضور در مغازه اش را می دهد. مغازه ای که فقط در آن غذاهای بسیار تند به مشتری فروخته می شود. این روزها، این رستوران یکی از محبوب ترین رستوران های زنان باردار در این ایالت محسوب می شود و کمتر زن بارداری پیدا می شود که تا قبل از تولد نوزادش به این رستوران سر نزند و از غذاهایش نخورد! جالب است بدانید که محبوب ترین غذای زنان بارداری که به این رستوران مراجعه می کنند، پیتزای تند است!

امید چاق ترین مرد جهان به راه رفتن!



آدیتی سنترال/ چاق ترین مرد جهان که حدود ۷ سالی می شود نتوانسته است از روی تختش بلند شود، به تازگی برای یک عمل جراحی به بیمارستان رفته تا شاید بتواند یک بار دیگر روی پاهایش بایستد. او که بیش از ۵۰۰ کیلوگرم یعنی حدود نیم تن وزن دارد، با یک رژیم سرسختانه ۳ ماهه برای این عمل آماده شده است و پزشکان امید زیادی دارند با یک عمل سنگین موفق شوند او را از شرایط فعلی اش نجات دهند.

ترسناک

گزارش فوتبال یا ... ؟!

با صدای بلندِ گزارش فوتبال از خواب پرید. با حالتی کلافه رویش را برگرداند تا برای بار صدم به همسرش تذکر بدهد که وقتی خسته است، صدای تلویزیون را آن قدر زیاد نکند! جا خورد! همسرش به آرامی کنارش خوابیده بود و هیچ صدایی به گوش نمی رسید. حتما خواب دیده بود. دوباره چشمانش را روی هم گذاشت تا بخوابد. این بار صدای گزارش فوتبال بلند شد. نور تلویزیون اتاق را روشن کرده بود. همسرش همچنان در کنارش خوابیده بود.
تازه چشمانش گرم شده بود که احساس کرد تمام خانه در حال لرزیدن است. زلزله شده بود. با وحشت از تختش پرید و در خانه را باز کرد. پله ها را چند تا یکی طی کرد تا به پارکینگ رسید. ناگهان ایستاد. هیچ لرزشی در کار نبود و هیچ خبری از مردم نبود. چراغ همه خانه ها خاموش بود و او وحشت زده وسط پارکینگ ایستاده بود. حتما خواب دیده بود. شاید هم توهم زده بود. تصمیم گرفت دوباره به تخت خوابش برگردد که ناگهان پسر بچه کوچکی جلوی رویش سبز شد ...

میترا تاتاری



زوم

مخاطبان گرامی، شما می‌توانید عکس‌های جالبتان را به ایمیل photo@khorasannews.com یا در تلگرام به شماره ۰۹۲۱۵۲۰۳۹۱۵ بفرستید تا با نام خودتان چاپ کنیم.



طبیعت بهاری روستای بزوشک عکس از احمد سعیدی

کله چغوکی

آق کمال به دره ارغوان می‌رود

یعنی مو ره دیونه کردن از بس گفتن برم دره ارغوان. کاملیاخانم مگفت: «همه دوستام رفتن اونجا، زشته که بهار تموم بشه و اون جا رو نبینم.» آبجیم مگفت: «تمام فالوئرهای منم ازش عکس گذاشتن، آبروریزیه که من تا حالا نرفتم.» مادرُم هم ویرش گیریفته بود که: «خب برم همینجی که بچه‌ها مگن، ناهار هم استامبولی درست مُکنُم، به آقاجان و خانم بزرگ هم مگم بیَن.» آقام که اینا ره شنید گفت: «خانم سالاد شیرازی هم درست کنِن، با استامبولی مچسبه! به آقا و خانم دکتر، مامان بابای کاملیا هم مُگم بیَن.» انا حالا خوب رفت! تا مجبور نشده بودُم اتوبوس کرایه کنُم و کل فامیل ره بار بزنُم، باید مُبردمشان. بالاخره قرار شد جمعه برم.
آبجیم و برارُم جمال آمدن تو ماشین ما. از هم در خانه که راه افتادم جمال فلشش ره داد بذارُم تو ضبط. فکر کردُم آهنگه، نگو کلاس زبان که مره درسهاشه آورده دوره کنه. کله‌مان صدا وَرداشت از «هلو، هاواریو»! آبجیم هم فرت و فرت از جاده و در و دیوار و ماشین و تیر برق عکس مگرفت و مفرستاد تو اینستا. یگ ربعه رسیدم، اینا با تعجب پرسیدن رسیدم؟ گفتُم: «بعله! بفرماین، ایَم دره ارغوان.» چشمتا روز بد نبینه، غلغله بود.
ده تا تور آمده بودن با صدتا ماشین شخصی. آدم ها مُلولیدن، یگ تیکه زمین خالی نبود که راه برم، چه برسه که فرش بندازم. دست هرکی هم می‌دیدی یا یگ شاخه ارغوان یادگاری کنده بود یا از ای سیخ‌های سلفی گیریفته بود و باهاش ژست مگرفت و عکس مداخت. برکه‌اش هم دو قطره آب تهش مانده بود که به زور از لای بطری‌ها و پوست‌های تخمه و پفک دیده مُشد. شنیده بودُم تو ای دره یگ عالمه حیوون و پرنده زندگی مکردن که از وقتی مردم راهشه یاد گیریفتن، اونایم فراری شدن. بیچاره‌ها مترسن بیَن آب بخورن و دارن از تشنگی می‌میرن. فوری آبجیم نفری یگ کیسه داد آشغالا ره جمع کنِم و خودش عکس مگرفت ولی مگه تموم مرفت.
یگ ساعتی ماندِم و دگه همه به صدا درآمدن که برم. مایَم با یگ خروار آشغال مردم و عکس خودمان در حالت‌های مختلف برگشتم خانه. ولی جاتا خالی، رفتم تو حیاط آقام هموجور که استامبولی‌ها ره با سالاد شیرازی مُخوردم و «ایت ایز اِ بوک» تو سرمان مچرخید، عکس‌هامان هم تو اینستای آبجیم لایک مُخورد هموجور!

آق کمال

ما و شما

* صفحه اول، مطلب کنار ستون برج، بد چاپ شده. فقط لطفا نگین: عذرخواهیم و امیدواریم دیگه تکرار نشه.
* ممنون که یک شعر جالب از مرحوم افشین یداللهی چاپ کردید. عالی بودن.
* به خدا من دیگه خسته شدم از این که این قدر تو مسابقه «این کیه؟» شرکت کردم. تا حالا ۱۰ بار گزینه صحیح رو فرستادم ولی برنده نشدم. علی، درگز
* خفن استریپ روز پنج شنبه ۱۳۹۶/۰۲/۱۴ واقعا بی ربط بود و اصلا با جواب هم خوانی نداشت.
* مطلب صفحه سلامت درباره لاغری خیلی خوب بود. یک کمی اراده هم لازمه که خیلی هامون نداریم وگرنه راحت می شدیم از این چاقی.
* از خوندن مطلب مرد گربه ای در ستون دور دنیا، خیلی خیلی لذت بردم. ممنون. خوشحالم فردی هست که به حقوق حیوانات احترام بذاره.
* تقدیم به زندگی سلامی ها. دلی رو نشکن شاید خانه خدا باشد. فردی رو تحقیر مکن شاید محبوب خدا باشد. از کمک دریغ مکن شاید کلید بهشت باشد. سر نماز اول وقت حاضر شو شاید آخرین دیدارت با خدا روی زمین باشد.
* به یاد تلفن های عمومی دو ریالی! جوانی کجایی که یادت بخیر!
* هم نفس و همراهم معصومه جان. بیش از ۲ سال از با هم شدن مان می گذرد. بابت تمام لحظات زیبایی که در کنار خود برایم مهیا کردی؛ هزاران بار سپاسگزارم. ای همه من. عاشقانه دوستت دارم. همراهت رضا
* وجودم فدای یک لبخند تو همسر عزیزم، عبدالرضا. در ششمین سال ازدواج مان خدا را شاکرم که تو را به من هدیه داده، دوستت دارم با همه وجود. همسرت ربابه

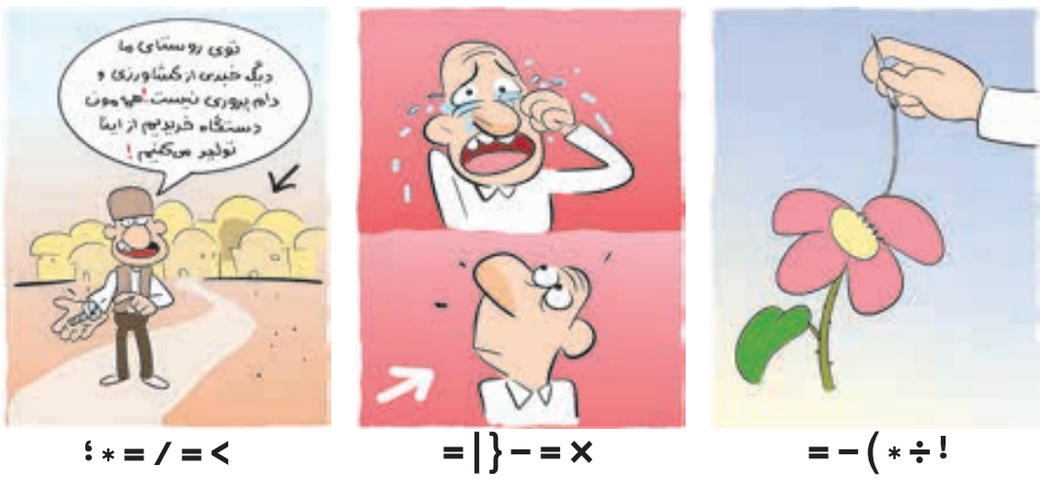


خفن استریپ

مسابقه شماره ۱۵۵ — 1sargarmi.ir

با نگاه طنز، زیر هر تصویر، کلمه معناداری نوشتیم. بعدش هر حرف الفبا رو به علامتی تبدیل کردیم. شما بگین کلمات چی هستن! پاسخ رو تا ساعت ۲۳ فقط به خط اختصاصی ۳۰۰۰۷۲۲۵۲ پیامک کنین. جایزه نقدی به قید قرعه برای کسانی واریز می شه که پاسخ صحیح ۳مسابقه پیاپی رو فرستاده باشن. پاسخ در ستون «ما و شما»ی بعدی! متن کل پیامک های رسیده در وب سایت!

طراح: محمدمهدی رنجبر
تصویرساز: سعید مرادی



خفن استریپ یا معادلات ریاضی!

سلام. یکی از مخاطبان با شماره همراه ۰۹۱۵۳...۲۰۳ پیامک زده که:
«پاسخ مسابقه شماره ۱۵۴: گریزپا، سیم پیچی ، جامدادی. واااااقعا عاااالی بود این شماره، واااااقعا حاااااال کررررردم... دمتون گرم خصوصا واسه «گریزپا» یه دوساعتی البته به‌صورت غیرمستمر علافش بودم! ولی با پیدا کردنش خستگیم در رفت.»
خب باید در پاسخ شون عرض کنم که ما هم خستگی مون در میره وقتی اینطوری شما رو راضی می بینیم.
مطلب دیگه اینکه: بعد از چند سالی که از مسابقه خفن استریپ در روزنامه خراسان می گذره، هنوز بعضیا هستن که میگن: «خفن استریپ رو دوست داریم ولی حل نمی کنیم!» وقتی ازشون می پرسیم چرا؟ میگن: «آخه ریاضی مون خوب نیست!!» اینا فکر می کنن این علامت های زیر تصاویر، یه سری معادلات ریاضی هستن که باید نشست حلشون کرد! فعلا!